خبر

طرح شمیم حسینی کلید خورد

طرح شمیم حسینی برای اولین بار از طرف اداره اوقاف و امور خیریه و با همکاری سازمان تبلیغات اسلامی از ۶ تا ۱۱ شهریورماه جهت اهدای بن خرید ارزاق به هیات‌ها برگزار می‌شود.

به گزارش جام‌جم و به نقل از روابط عمومی اداره کل سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران، این طرح که در ۱۸ امامزاده استان تهران برگزار می‌شود، در قالب نمایشگاه‌های عرضه اقلام مورد نیاز هیات‌ها خواهد بود.

این نمایشگاه از روز چهارشنبه ۶ تا ۱۱ شهریور ماه از ساعت ۹ صبح تا ۱۹ در بقاع متبرکه شاخص استان تهران برپا می‌شود و تمامی خدمات مورد نیاز هیات‌های مذهبی در این نمایشگاه عرضه خواهد شد.

براساس این گزارش، هیات‌های مذهبی مستمر که از نظر زمانی مجوز آنها تمدید شده باشد، توسط سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران معرفی می‌شوند و می‌توانند با داشتن معرفی‌نامه و جواز هیات از این بن‌کارت‌ها استفاده کنند. همچنین تمامی مسؤولان و خدام هیات‌های مذهبی، مساجد و حسینیه‌ها می‌توانند با حضور در مکان‌های تعیین شده، از تخفیف‌های ارزاق، پوشاک، پرچم و کتیبه‌های این نمایشگاه استفاده کنند.

مسؤولان هیات‌ها می‌توانند عدد یک را به ۱۰۰۰۴۶۱۵ پیامک کرده و لینک نرم‌افزار بیرق را دریافت و آن را نصب کنند. پس از نصب با وارد کردن شماره تلفن همراه خود و دریافت کد پیامکی و وارد کردن آن کد، وارد نرم‌افزار می‌شوند. سپس روی آیکون شمیم حسینی کلیک کرده، کد ملی مسؤول هیات را وارد کرده و استان محل جواز هیات خود را انتخاب می‌کنند. با ثبت درخواست، بر اساس محل جغرافیایی هیات، مشخص می‌شود که از کدام امامزاده در استان، باید بن کارت تخفیف شمیم حسینی را دریافت کنند.

پرچم ۱۰۰۰ متری «یاحسین(ع)» در تهران

ویژه‌برنامه «سلام بر محرم» ویژه استقبال از محرم با حضور شهردار تهران، اعضای شورای شهر و خادمان و پیرغلامان اهل بیت(ع) امروز ۹ شهریور ساعت ۱۱ صبح در «باغ هنر» تهران برگزار می‌شود.

به گزارش جام‌جم و به نقل از اداره ارتباطات و امور بین‌الملل منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد، معاون فرهنگی و گردشگری با اعلام این خبر افزود: «بزرگ‌ترین پرچم ایران و سومین پرچم دنیا به منظور استقبال از محرم به اهتزاز درمی‌آید.»

مجتبی خشایارفرد با اشاره به این‌که این پرچم ۱۰۵۶ مترمربع است و بر پایه ۱۵۰ متری گرفته، افزود: «آغاز سیاه‌پوش شدن تهران با برافراشته شدن بزرگ‌ترین پرچم کشور آغاز خواهد شد و به همین مناسبت برنامه‌ای با حضور حجت‌الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، مدیران شهری، خادمان و پیرغلامان اهل بیت(ع) تدارک دیده شده است.»

بنا بر این گزارش، برنامه اهتزاز پرچم «یاحسین(ع)» از ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح امروز نهم شهریورماه با اجرای برنامه‌های گوناگونی که با حضور هیات‌های مختلف، اجرای مداحی‌های گوناگون و خوانش شعر توسط صابر خراسانی صورت خواهد گرفت، از چهار خادم و پیرغلام اهل بیت(ع) نیز به پاس تلاش‌های مجدانه در راه معرفی صحیح امام حسین(ع) تجلیل خواهد شد.

قانون نگهداری حیوانات در کمیسیون فرهنگی

کمیسیون فرهنگی مجلس این هفته یک هفته کاری شلوغ را پیش‌رو خواهد داشت. اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در هفته پیش‌رو در روزهای یکشنبه و سه‌شنبه ۱۰ و ۱۲ شهریورماه نشست تخصصی برگزار خواهند کرد. استماع برنامه‌های علی‌اصغر مونسان وزیر پیشنهادی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و ادامه بررسی لایحه حمایت از مالکیت فکری و همچنین استماع برنامه‌های محسن حاجی میرزایی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش، برنامه‌های کمیسیون فرهنگی در روز یکشنبه خواهد بود. حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی جهت پاسخگویی به سوال ۱۲ نماینده نیز دستور کار روز سه شنبه کمیسیون فرهنگی است. روز یکشنبه نیز کارگروه فرهنگ، هنر و رسانه با موضوع بحث و بررسی پیرامون گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص پیشینه قوانین و ضرورت قانون‌گذاری درباره مساله ترویج و نگهداری حیوانات در منازل، مجتمع‌ها، معابر و انظار عمومی تشکیل جلسه خواهد داد.

فالش‌خوانی‌های تازه ۲ سلبریتی در کنسرت‌های شان مورد انتقاد کاربران فضای مجازی قرار گرفته است، به همین بهانه نگاهی انداختیم به رشد فزاینده این پدیده

فالش بخوان، بلیت بفروش

زینب مرتضایی فرد
ادبیات و هنر

فالش خواندن حالا دیگر رویه شده است. قبلا اگر می‌گفتند خواننده‌ای فالش می‌خواند، خودش هم خجالت‌زده می‌شد و از این ناهماهنگی و خارج از ریتم خواندنش چنان ناراحت می‌شد که فکر می‌کرد هر قدر هم تلاش کند و از این به بعد خوب بخواند، بالاخره یک اتفاق نامبارک در کارنامه‌اش ثبت شده است. حالا اما فالش خواندن هم دیگر به اندازه قدیم بد نیست. می‌شود رفت روی صحنه، فالش خواند، جیغ و دست و هورا گرفت و برگشت. نه کسی صدای منتقدان را می‌شنود، نه کسی برای بالا رفتن درک مردم از موسیقی تلاش می‌کند و نه حتی محتوایی که خواننده به زبان می‌آورد اندازه دهه‌های قبلی دارای اهمیت است. تعداد خواننده‌ها، تعداد موسیقی‌هایی که روزانه تولید می‌شوند و بسیاری موارد دیگر نشان از آن دارند که هر چه فالش‌ها و فالش‌خوان‌ها بیشتر می‌شوند، این اتفاق بیشتر به یک امر عادی نزدیک می‌شود و گویی در نسل تازه خواننده‌ها، فالش‌خوانی دیگر پدیده‌ای مذموم نیست، مسیر خود را طی کرده و رفته رفته سلیقه، ذائقه و گوش موسیقایی جامعه را هم تحت تاثیر خود قرار داده است.

فالش چیست؟

حالا این فالش که مدام از آن حرف می‌زنند اصلا چیست؟ چه اتفاقی می‌افتد که به یک نفر می‌گویند فالش خوان؟ لغت فالش ریشه انگلیسی دارد. هنگامی که تعداد نوسان‌های تثبیت شده برای هرکدام از نت‌ها که استانداردهای خود را دارند در اجرا و اراده از سوی خواننده به حد خودش نرسد و یا بیشتر باشد می‌گویند موسیقی به‌صورت فالش اجرا شده است.

امروزه اما متخصصان و منتقدان عرصه موسیقی نه تنها خارج از نت خواندن، که درست ادا نکردن لحن و کلام را هم از نشانه‌های فالش خواندن دانسته و چنین خواننده یا نوازنده‌ای را فالش خوان و فالش‌نواز می‌دانند. خواننده یا نوازنده‌ای که به راحتی موسیقی، این هنر گوشنواز را تبدیل می‌کند به صدایی که یک جای کارش می‌لنگد.

حالا که بحث فالش است، این را هم بگوییم که واژه ژوست در مقابل فالش قرار دارد و وقتی صدای خواننده منطبق با فرکانس مورد نظر و نت مورد نظر باشد صدای آن فرد را ژوست می‌گویند. کیفیت و ژوست بودن صدا را گوش‌های قوی و کارکرده متوجه می‌شوند. همان چیزی که این روزها ما کم داریم و آثار موسیقی‌مان هم در اغلب روز به روز ضعیف‌تر شان می‌کنند؛ گوش قوی و کارکرده که ژوست و فالش را از هم تشخیص دهد.

روند فالش‌خوانی‌ها در ایران

حالا که می‌دانیم فالش خواندن چیست، برویم سراغ ماجرای فالش‌خوانی در ایران. نه، اول به این یک سوال دیگر که احتمالا برایتان پیش خواهد آمد، بپردازیم و بعد برویم سراغ فالش خوانی‌های وطنی. حتما از خودتان خواهید پرسید که در اجراهای خارج از ایران هم پیش می‌آید که کسی فالش بخواند؟ خب. طبیعی است که جوابمان به این سوال مثبت خواهد بود، همه جای دنیا خواننده‌هایی با میزان توانایی متفاوت و مختلفی وجود دارند که برخی فالش بخوانند و برخی هم ژوست. اما آن‌طورکه منتقدان هم این روزها می‌گویند، میزان این فالش خوانی‌های آن طرف آبی واقعاکم است. اما در ایران کم که نیست، هیچ... روز به روز بیشتر هم می‌شود. اگر بخواهیم به خواننده‌های ایرانی که ماجراهای فالش خوانی و حاشیه‌های مشابه این اتفاق را در کارهایشان داشته‌اند، طی همین یکی دو سال گذشته با فهرست نسبتا بلند بالایی روبه‌رو خواهیم شد. حمید هیراد، مسعود صابری همان پزشکی که خواننده شد و کم حاشیه نداشت، مهران مدیری و بسیاری چهره‌های دیگر کنسرت‌هایی اجرا کردند که پر از فالش خوانی بود. حتی بودند کسانی که بعد از چند فالش خوانی رفتند سراغ پلی بک که مساله را حل کنند و البته حل هم نشد! حتی دو سال پیش سیروان خسروی هم که خواننده‌ای پرطرفدار محسوب می‌شد و کمتر درگیر چنین حواشی بود با انتقاد از فالش خوانی‌اش روبه‌رو شد. خلاصه که کم و زیاد خواننده‌های بسیاری با این مساله روبه رو شده‌اند، اما هر چه زمان گذشته فالش‌خوانی‌ها عادی‌تر شده اند و گویی افرادی که به‌عنوان خواننده روی صحنه حاضر می‌شوند، چندان نگران نیستند که اگر فالش بخوانند، چه می‌شود. چون می‌دانند هیچ اتفاقی نمی‌افتد!

فالش‌خوانی فقط یک اتفاق در موسیقی ایران نیست، یک پدیده است که در پس آن علت و علل متعددی وجود دارد

گلزار و مدیری، گوشه رینگ توییتری‌ها

این روزها دوباره فیلم‌هایی از کنسرت‌های مهران مدیری و محمدرضا گلزار منتشر شده است. در اینستاگرام و البته بیشتر در توییتر این فیلم‌ها مورد نقد کاربران فضای مجازی هستند. آنها فیلم‌ها را با حیرت، تعجب، انتقاد و گاهی با جملاتی طنز مطرح و به این نکته اشاره کرده اند که این افراد چرا با این همه ضعف در اجرا روی صحنه می‌روند و بلیت‌های‌شان هم به فروش می‌رسد.

آنها مردم، مسؤولان و خواننده‌ها و برگزارکنندگان کنسرت را گرفته اند به باد انتقاد تا این را مطرح کنند که در عالم موسیقی چه خبر است. سوالی که البته پاسخ دادن به آن هم خیلی ساده است و هم خیلی دشوار! یعنی خیلی حرف‌ها و پشت پرده‌های ماجرا به‌صورت غیررسمی بیان می‌شود و به این راحتی‌ها نمی‌توان برای ارائه‌شان سندی پیدا کرد و واضح و روشن گفت چه خبر است. اما می‌شود به نکات مهمی درباره آنچه اکنون در فضای موسیقی می‌گذرد، اشاره کرد. اشاراتی که می‌توانید خودتان حدیث مفصلش را بخوانید از این مجمل!

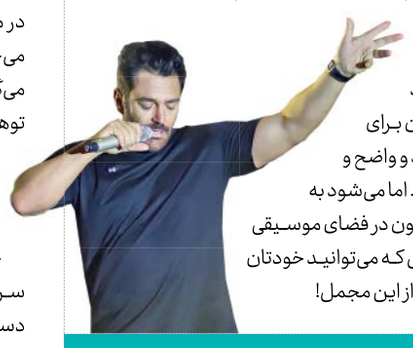

از استودیو تا صحنه

بعلاوه این‌که

در استودیو همه خواننده حرفه‌ای هستند. یک صدابردار می‌گوید فرانکشتاین می‌آورند، سوفیالورن تحویل می‌دهیم! حالا خودتان ببینید چه خبر است و با امکانات جدید چطوری یک نفر می‌شود خواننده. برایتان آلبوم‌ها و قطعات زیبا می‌خواند، شما با کارهایش کلی خاطره و لحظه می‌سازید و می‌روید کنسرت، آن هم با قیمت بلیت‌های امروز که در شرایط اقتصادی ما کم هم نیستند.

اگر خواننده که می‌آید روی صحنه بتوانید جای هیجان زده شدن، جیغ کشیدن و خوشحالی آنچه را که می‌خواند با آلبومش مقایسه کنید، می‌توانید تفاوتی که می‌گوییم را احساس کنید. حتی با همه امکاناتی که خواننده‌های این روزها برای کمک به فالش خوانی‌هایشان روی صحنه می‌آورند، باز هم گوش تربیت شده می‌تواند بفهمد فرانکشتاین در حال تلاش است برای سوفیالورن بودن!

دفتری که فقط مجوز می‌دهد

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک دفتری دارد به نام دفتر موسیقی. دفتری که البته چند سال پیش که هنوز این‌قدر اوضاع موسیقی زار نبود، محمدرضا درویشی پژوهشگر موسیقی آن را دفترچه می‌دانست! و معتقد بود این دفتر آن‌قدر در برابر چیزهایی که جریان‌های موسیقی را شکل می‌دهد، سست و کم جان عمل می‌کند که نمی‌تواند دفتر باشد.

حالا گذشته از اینها دفتر موسیقی ناظر تمام آلبوم‌ها و کنسرت‌هاست. حتی تک آهنگ‌هایی هم که منتشر می‌شوند از نظر محتوایی از این دفتر مجوز می‌گیرند. موسیقی، ترانه، نوازندگان و خوانندگان و خلاصه تمام عوامل. این‌که فلانی خلاف کرده و ممنوع‌الفعالیت است تا هر مورد دیگری در روند کار خواننده، نوازنده و... با این دفتر مرتبط است. شوراهای مختلفی دارد و همه چیز را تحت کنترل قرار می‌دهد. گذشته از این‌که برخی ترانه‌ها آن‌قدر سخیفند که مجوز گرفتن‌شان اتفاقی عجیبی است، بالاخره نهادی داریم که همه چیز را در مورد موسیقی بررسی می‌کند و به آن مجوزی می‌دهد.

در میان این همه قانون که برای بعضی زیادی رعایت می‌شود و برای بعضی کمتر، آیا نمی‌شود قانونی هم باشد برای بررسی کیفیت کنسرت‌ها؟ مگر می‌شود مرجع قانونی موسیقی در کشور بنشیند و تماشا کند که خوانندگانی روی صحنه می‌روند و ذائقه مردم را به‌واسطه شهرت یا هر چیز دیگری در دست می‌گیرند و فهم ناچیز جامعه ما را از موسیقی تقلیل هم می‌دهند؟ دفتر موسیقی نباید ناراحت سرمایه‌ها و پول‌هایی باشد که برای بی‌کیفیت‌ترین اجراها در عرصه موسیقی از جیب مردم به جیب فالش‌خوان‌ها و کنسرت‌گذارها و... می‌رود؟

مافیا و ماجرای پولسازی

وقتی از یک دهه پیش حمید حامی خواننده موسیقی پاپ در مصاحبه‌هایش از مافیای موسیقی حرف می‌زد، خیلی‌ها می‌خندیدند و حرفش را نمی‌پذیرفتند. هی دنبال رد مافیای می‌گشتند و خبری نبود، پس حامی را متهم می‌کردند به این‌که توهم مافیا گرفته و مدام چیزی را بزرگ می‌کند که وجود خارجی ندارد یا کم جان‌تر از این حرف‌هاست. اما این ذات مافیاست که آرام و خزنده پیش برود، بعد جان بگیرد و بشود مافیایی که این عنوان برازنده‌اش باشد!

حالا اما همه از همین مافیا حرف می‌زنند، از حسام‌الدین سراج گرفته که در گفت‌وگو با همین روزنامه خودمان مفصل از دست‌های پنهانی که عالم موسیقی را هدایت می‌کنند حرف زد تا محمد معتمدی که از سلطان کنسرت و کسانی که کنترل اوضاع موسیقی دست‌شان است، سخن به میان آورد.

جالب‌تر آن است که گفته می‌شود یک سایت موسیقی روزی ۵۰میلیون تومان از فروش بلیت درآمد دارد. حالا شما این ۵۰ میلیون را ضرب در ۳۰ روز ماه کنید. یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان درآمد برای فروش بلیت کنسرت، یعنی درآمدی خالص، بی‌دردسر و بی‌زحمت. حالا اگر قرار باشد فروشنده بلیت بنشیند به این فکر کند که خواننده فلان کنسرت فالش یا بی‌کیفیت می‌خواند ۵۰میلیون تومانش تامین نمی‌شود که! اصلا به او چه مربوط؟ مگر این سایت متولی امورات موسیقی و قانونگذار است؟ جایی دیگر مجوز می‌دهد و سایت هم بلیت می‌فروشد.

اما خب... سایت، کنسرت‌گذار و همه افراد این چرخه حتما سودی می‌برند که هر طور شده پای کارشان ایستاده‌اند. حتما آن‌قدری پول در میان هست که صدای هیچ منتقد و هنرمند جدی عرصه موسیقی شنیده نمی‌شود.